

تمام واژه ها و تعاریف که در زیر می خوانید یکی از افراد تالاسمی (میه- دال) در خواب زمستانه ی خود آنها را دیده و برای شما به روی کاغذ آورده و امیدوارم موجب رنجش شخص و یا گروهی نشود!

خون: با کوچکترین پیام در رسانه ها و چند ثانیه بعد هجوم مردم عزیز برای در اختیار گذاشتن جانشان و بعد از چند روز، با کیفیت ترین خون به معجونی تبدیل می شود که بیا ببین، در این راه افراد زیادی سخت زحمت می کشند! در این مورد هم مدیون اینثار اهداکنندگان عزیز و هم زحمات بی شمار سازمان انتقال خون هستیم که اجرشان انشاءالله با خدا است

سرنگ: وسیله ای که بیشتر آنها (گلاب به رویتان) دچار بیماری شب ادراری شده اند و تا به این زمان در کشور عزیزمان هیچ درمانی برای معالجه آنها پیدا نشده، آنها هم بی اختیار هر شب خودشان و پمپ دسفرال را خیس می کنند!

اسکالپ: وسیله ای که سازندگان ایرانی فراموش کردند که نوکش را تیز کنند، و هنگام تزریق خون یا دسفرال باید با چکش به جانش بیافتی تا به درون رگ و حتی پوست برود!

پمپ تزریق دسفرال: مرگ بر انگلیس!، در ایام قدیم پمپ های انگلیسی و یا چه می دانم خارجی آنقدر کار می کرد که بدن یک تالاسمی از تزریق مداوم زخم می شد، ولی حالا زنده باد جنس وطنی که دقیقاً متوجه می شود که چه موقع نباید دیگر کار کند تا بدن یک تالاسمی از تزریق مداوم زخم نشود!...اصلاً چه معنی دارد که یک دستگاه آن هم پمپ دسفرال بصورت مداوم و خوب کار کند؟!

بخش تالاسمی: مکانی که روزی 10 بار از اروپا برای دیدن و بازدید از امکانات و استانداردهایش می آیند، از کمترین نور و هوا و فضا و درجه حرارت 40 درجه ای در زمستان و تابستان برخوردار است.

کپسول اکسیژن بخش تالاسمی: وسیله ای که همچون موتورهای فرمول 1 صدا می کند، و از آن همه چیز بیرون می آید جز اکسیژن!

تخت های بخش تالاسمی: عجیب ترین وسیله ای که در دنیا موجود است، آنها سخنگواند و حرکتهای آکروباتیک انجام می دهند و برای بیماران لالایی می خوانند تا یک تالاسمی زیاد دلتنگی نکند و راحت بخوابد!...

جامعه [تالاسمی]: به به!... گل و بلبل... یکی از یکی باحال تر و گل تر... کار گروهی بیداد می کند، همه یکصدا به دنبال

«ناجی» و «منجی» می گردند و جامعه ای که در آن در هر یک ثانیه 1000 عدد «چرا» می شنوید. اساساً همیشه و همه جا با آنها خوب برخورد می کنند و هیچ مشکلی در جامعه ندارند و خوشی روزگار دلشان را زده است! شاید به همین دلیل باشد که بسیار مظلوم هستند و صدایشان در نمی آید!

خانواد ☐ تالاسمی: عزیزانی که بیشترین زحمت و رنج و درد را می کشند، حتی بیشتر از خود تالاسمی! تاج سرانی که سعی می کنند تا جامعه، تالاسمی را بهتر بشناسد و افراد تالاسمی به عنوان ناتوان شناخته نشوند.

فرد تالاسمی: مقصر اصلی تمام اتفاقات جهان از جنگ های جهانی 1 و 2 و 3 و 4 بگیر تا سوراخ شدن لایه ازن، و نکته جالب تر اینکه همیشه و در هیچ موردی حق با فرد تالاسمی نیست و نمی باشد و نخواهد بود. در آسمان این عزیزان از اون بالا کفتر میایه عجیب!

افراد سالم جامعه: افرادی که در یک ساعت 20 جلد کتاب علمی و پزشکی می خوانند، اطلاعات آنها در مورد تالاسمی از پزشکان متخصص خون هم بیشتر است! آنها در تحقیقات گسترده و مطالعاتشان به این نتیجه رسیده اند که یک تالاسمی در سن 17 و یا 18 سالگی به سمت شکلات پیچ شدن پیش می رود!!

مسئولین درمانی مرتبط با تالاسمی: افرادی که دقیق ترین و کامل ترین آمار و ارقام و شیوه ی درمان تالاسمی نزد آنهاست و تمام اطلاعات به روز در مورد تالاسمی از طریق این اشخاص در جهان و اینترنت پخش می شود اما همیشه سعی دارند به نفع خود بدون توجه به دل شکسته ☐ بیماران یک چیز کم، چیزی دیگر اضافه و چیزی دیگر نادیده بگیرند تا زیاد به زحمت نیفتند!

درمانگاه تخصصی بیمارستان: تنها جای موجود که مثل ساعت یا شایدم بهتر از آن کار می کند، مکانی که افراد تالاسمی را بدون قبض، بدون نوبت، بدون لایی کشی دقیق دقیق مورد معاینه قرار می دهند!!! البته این خصوصیات ناب در بعضی از درمانگاه ها و بخش های تالاسمی مشاهده می شود ... در بعضی جاها هم بخاطر سنجش قدرت بدنی و تست اعصاب تالاسمی ها کمی سگ دو زدن الزامی است! لازم به ذکر است که این بخش در سراسر کشور موجود بوده و قبل از ساخت بیمارستان ابتدا این درمانگاه را احداث می نمایند چون از نان شب نیز واجب تر است!... باور کنید!

اکوی قلب: وسیله ای که هر چند وقت یکبار مورد استفاده ی بیماران تالاسمی قرار می گیرد، تا متوجه شوند بازی چند چند است و حساب بدست بگیرند . همین!

پزشک: تنها افرادی هستند که تالاسمی شرمنده آنهاست!؟

همراهان در بخش: افرادی که آنها هم به ناچار در آتش این افراد تالاسمی سوخته اند...

قسم سقراط: اصلا ربطی به تالاسمی داره !!؟

از نوشته های:

میم . دال - (با اندکی ویرایش)

{loadposition share}